



سواری



# سنجش و ارزشیابی در دوره‌ی پیش از دبستان

دکتر مرجان گودرزی

کلیدواژه‌ها: سنجش و ارزیابی، برنامه‌های آموزشی، خودسازی، کودکان.

در این مقاله می‌خوانید

چگونه می‌توان به سنجش و ارزشیابی کودکان در دوره‌ی پیش از دبستان زیباتر نگریست؟  
توازن و تعادل در شیوه‌های ارزشیابی و برنامه‌های آموزشی کودکان چگونه میسر می‌شود؟  
فرایند ارزشیابی چگونه می‌تواند به خودسازی کودکان از همین سال‌های پایه کمک کند؟  
اندیشه‌ی بهتر درباره‌ی عدم تفکیک یادگیری از ارزشیابی چگونه صورت می‌گیرد؟

بیش از پیش تجویز می‌شود؛ زیرا خانواده‌ها و مسئولان آموزشی خواهان دسترسی به مستندات سیستم یادگیری در این محیط‌های آموزشی و فرهنگی هستند.

بنابر این، به رغم اولویت‌های شخصی مربیان یا باورهای حرفه‌ای آن‌ها، بعضی از شیوه‌های سنجش یادگیری کودکان که هم‌اکنون در این محیط‌های آموزشی به کار گرفته می‌شوند، مولد بی‌فایده‌ی هم‌چون، به کارگیری آزمون‌های مختلف، کمال‌کردن فعالیت‌های ارزشیابی تجویز شده، و مشاهده‌ی مبتنی بر چکلیست‌ها یا سیاهه‌های استاندارد شده را شامل می‌شوند. گفتنی است موارد ذکر شده فقط بخشی از فعالیت‌هایی است که هم‌اکنون صورت می‌گیرد که به عقیده‌ی بسیاری از صاحب‌فکران، برای تدلک یک برنامه‌ی متوازن و متعادل کافی نیست.

سنجش و ارزشیابی در حقیقت فرایندی است که باید بتواند به بهبود سیستم یاددهی و یادگیری کمک شایان توجهی کند. فقط در این صورت است که می‌توان اطمینان یافت که کودکان هر روز به قدر توانایی و قابلیت‌های خود یاد می‌گیرند و همین کلید اساسی کار ارزشیابی است.

عقلانی است که از مقیاس‌های سنجشی استاندارد شده از طریق سیستم‌های مختلف و انتشارات معتبر یا مؤسسات دولتی تهیه می‌شود، به عنوان ابزار تشخیصی و شناختی استفاده کرد ولی حتما باید به

سنجش و ارزشیابی یکی از مسائل و موضوعات مهم و در عین حال حساس در دوره‌ی پیش از دبستان و به‌ویژه دوره‌ی کودکتایی است. در حقیقت، حساسیت آن به لحاظ حسابرسی و مسئولیت در برابر یادگیری‌ها و چگونگی یاد گرفته‌هاست. حسابرسی، نیرویی گسترده در شکل‌دهی به فرایند یادگیری و یاددهی در مدارس عصر حاضر است و اثر و پیامدهای آن به کلاس‌های پیش از دبستان نیز کشیده شده است. تقریباً در همه‌ی کودکتان‌ها، معلم‌ان تحت اجبار تا به نوعی نشان دهند که دانش‌آموزان و کودکان زیر نظر آن‌ها تا چه حد به اهداف تعیین شده دست یافته‌اند و چگونه مجموعه‌ای ویژه از اهداف رفتاری، در کودکان تحقق یافته است. شیوه‌های مستندسازی یادگیری‌های کودکان از همین سال‌های اولیه از طریق فنسارهای خارج از مدرسه



سنجش و ارزش‌یابی یکی از مسائل و موضوعات مهم و در عین حال حساس در دوره‌ی پیش از دبستان و به‌ویژه دوره‌ی کودکستانی است

● چه نوعی از همکاری و همراهی باید در مورد کودکی که نمی‌تواند بدون کمک و حمایت معلم کار کند، اعمال شود؟ در این رویکرد پویا، زنده و شاد است که تفکیک زمان سنجش و ارزش‌یابی از زمان یادگیری و زمان تولید و حاصل کار از زمان کسب تجربه و یادگیری، بسیار دشوار خواهد بود که حقیقت دانستن و تحمیل دسته‌ها و توسعه‌ی مستقلانه و رشد قابلیت‌ها نیز در عین مطلب نهفته است. نکته‌ی پایلی این‌که، ارزش‌یابی در دوره‌ی پیش از دبستان فرایند مستمر، پویا، شاد و در عین حال توانمندساز است که هرگز نباید از نتایج آن به منظور حذف امتیاز، نمره‌دهی، انگ‌زدن و برچسب دادن، تنیه یا جداسازی استفاده شود، بلکه زیبایی این فرایند زنده در این است که مریان و خاموش‌ها خود را نیز در شکل‌دهی تربیت فرزندانشان از این طریق آموزش دهند و در آموزش کودکان و برطرف کردن نقاط ضعف و پرورش نقاط مثبت مصمم‌تر شوند و محیط خله و آموزش را شادتر کنند؛ هم‌چنین، کودکان نیز در کنار آن‌ها می‌توانند در مورد خود و قابلیت‌هایشان زیاده‌تر تفکر کنند و یاد بگیرند که ارزش‌یابی از خود یا به‌وسیله‌ی دیگران، راهی برای ساختن و دوباره‌سازی خود است که این مهم، از دوران کودکی می‌تواند بنیان گذاشته شود.

### پی‌نوشت

#### 2. *Yay*

ارزش‌یابی در دوره‌ی پیش از دبستان فرایند مستمر، پویا، شاد و در عین حال توانمندساز است که هرگز نباید از نتایج آن به منظور حذف امتیاز، نمره‌دهی، انگ‌زدن و برچسب دادن، تنیه یا جداسازی استفاده نشود



درستی، تفسیر و توجیه‌شود. از طرف دیگر، به‌نظر می‌رسد که بسیاری از معلمان و مربیان آموزش‌دیده می‌توانند بر این مهم نایل آیند ولی این به تنهایی کافی نیست؛ زیرا آن چه از طریق این ابزارها سنجیده می‌شود فقط بخشی از دست‌های کودک است و نحوه‌ی تنظیم و چینش بسیاری از آزمون‌ها و مقیاس‌های ارزش‌یابی، امکان یادگیری را درباره‌ی دسته‌ها و توانایی‌های کودکان محدود می‌سازد و قادر به شفاف‌سازی واقعی در زمینه‌ی یادگرفته‌های کودکان در این سطح نیست؛ بنابراین، بحث دقیق این است که اعمال سنجشی دیگری به وسیله‌ی معلمان و مربیان باید طراحی شود تا نیز در این زمینه را برطرف سازد و توازن و تعادلی را در سیستم ارزش‌یابی ایجاد کند.

یکی از عقاید بارز صاحب‌نظران، طراحی تمرین‌هایی برای سنجش محتوا، شیوه‌های تدریس و یاددهی، و رخدادهای حاصل از یادگیری است. اگر معلمان درباره‌ی آن چه می‌خواهند به کودکان یاد دهند و نیز چگونگی تدریس‌شان به کودکان، عقاید واضح و روشنی داشته باشند، قطعاً راه هموارتر می‌شود و آن چه کودکان یاد می‌گیرند، به نحو طبیعی دنبال خواهد شد. در حقیقت، جریان ارزش‌یابی، چیزی جدا از چگونگی یادگیری و یاد دادن نیست و ازومی ندارد که آن به‌عنوان تمرین یا فرایندی کلاماً جدا از فرایند یاددهی و یادگیری و یا نمری تهدیدکننده در نظر گرفته شود؛ به عبارت بهتر، ارزش‌یابی می‌تواند به‌عنوان تمرینی در جریان یادگیری تلقی شود و فرصت‌هایی را برای باز خورد و تدریس مجدد در همان زمان خاص به در وقت دیگر فراهم آورد.

**عقاید و یگو تسکی** (۱۹۷۸) درباره‌ی چگونگی یادگیری کودکان به‌ویژه در اجرای ارزش‌یابی طراحی شده برای کودکان دبستان‌های نوین ارزشمند است. وی ارزش‌یابی را فرایندی پویا و زنده می‌داند که در نقطه‌ی مقابل شیوه‌ها و رویه‌های استاندارد شده، معمول و مورد استفاده برای ارزش‌یابی پیشرفت کودکان قرار دارد. موفقیت‌های ارزش‌یابی پویا، نه فقط برای تعیین آن چه کودکان می‌توانند به تنهایی انجام دهند بلکه برای شناخت و درک چیزهایی تنظیم می‌شود که کودکان با حمایت یا به همراه دیگران نیز به انجام می‌رسانند.

بنابراین، نکته‌ی مهم این است که اگر ما برنامه‌ی درسی، طراحی آموزشی، اجرای روش‌های یاددهی و یادگیری و سنجش را در یک پیوستار و مرتبط بینیم، در این صورت می‌توانیم ادعا کنیم که ارزش‌یابی و سنجش به منزله‌ی فرصتی است برای پاسخ به سؤالاتی چون:

- آیا کودکان یا دانش‌آموزان محتوا را به‌طور مستقل و معناداری یاد گرفته‌اند؟
- آیا کودکان می‌توانند شایستگی و صلاحیت خود را در یادگیری‌ها با کمک و حمایت معلم به نمایش بگذارند؟

